

نامه پولس به

فلیمون

سلام و درود از پولس

از طرف پولس، که بسبب اعلام مژده انجیل عیسی مسیح در زندان است، و از طرف برادر ما تیموتائوس،

به فلیمون، همکار عزیز ما، و به مسیحیانی که در خانه‌ات برای عبادت جمع می‌شوند، و به خواهر ما «اپفیه»، و به «ارخیپوس» که مانند من سرباز عیسی مسیح است.

آز درگاه پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای شما می‌باشیم.

شکرگزاری و دعا

فلیمون عزیز، هر بار که برای تو دعا می‌کنم، ابتدا خدا را برای وجود تو شکر می‌کنم،^۴ زیرا از دیگران می‌شنوم که چه ایمان استواری به عیسای خداوند و چه محبتی نسبت به برادران مسیحی خود داری.^۵ دعا می‌کنم که ایمان و اعتمادی را که به خداوند داری، با دیگران در میان بگذاری، تا ایشان نیز تحت تأثیر قرار گیرند و ببینند که چه نیکویی‌ها و مواهبی از عیسی مسیح نصیب تو شده است.^۶ من خودم از محبت تو ای برادر، شادی و تسلی پیدا کرده‌ام، زیرا مهربانی تو دل‌های ایمانداران را تازه کرده است.

تقاضای پولس برای انیسیموس

^{۹،۸} درضمن، می‌خواهم از تو خواهشی بکنم. هر چند که حق دارم به نام مسیح حکم کنم که آنچه درست است انجام دهی، اما بسبب محبتی که نسبت به تو دارم، ترجیح

می‌دهم از تو خواهش کنم. بلی، من، پولس پیر، که بخاطر عیسی مسیح در اینجا زندانی هستم، این تقاضا را می‌کنم.^{۱۰} خواهش من اینست که با فرزندم «انیسیموس» که در زمان حبس خود او را با مسیح آشنا کردم، مهربان باشی.^{۱۱} انیسیموس (با اینکه معنی اسمش «مفید» است) در گذشته برای تو مفید نبوده است، اما اکنون چه برای تو و چه برای من مفید است.^{۱۲} حال که او را نزد تو باز می‌گردانم، درست مانند اینست که قلب خود را می‌فرستم.

^{۱۳} خیلی مایل بودم او را نزد خود نگاه می‌داشتم، تا در این مدتی که بسبب اعلام پیغام انجیل در زندان بسر می‌برم، بجای تو مرا کمک کند.^{۱۴} اما نخواستم بدون موافقت تو این کار را انجام دهم تا نیکوکاری تو از روی اجبار نباشد، بلکه از روی اختیار و از صمیم قلب.^{۱۵} فکر می‌کنم جدایی او از تو بی‌دلیل نبود. او بعنوان یک غلام برای مدت کوتاهی از نزد تو فرار کرد، اما حال، بعنوان یک برادر همیشه نزد تو خواهد ماند. او برای من برادر عزیزی است، اما برای تو عزیزتر است. او اکنون نه فقط خدمتگزار توست، بلکه برادر مسیحی تو نیز می‌باشد.

^{۱۷} اگر واقعاً مرا دوست خود می‌دانی، به همان صورت که از من استقبال می‌کردی، از او نیز استقبال کن و او را بپذیر.^{۱۸} اگر هم قبلاً ضرری به تو رسانده یا چیزی از تو دزدیده باشد، آن را به حساب من بگذار.^{۱۹} من، پولس، این را به دست خودم می‌نویسم و شخصاً تضمین می‌کنم که آن را پس خواهیم داد. نمی‌خواهم یادآوری کنم که تو خودت چقدر به من مدیونی! در واقع، تو جانت را مدیون من هستی.^{۲۰} بلی، برادر عزیزم، این محبت را در حق من انجام ده، تا دل خسته من شاد شود و مسیح را سپاس گویم.

^{۲۱} این نامه را برایت می‌نویسم، چون یقین دارم که هر چه از تو تقاضا کنم، حتی بیشتر از آن را انجام خواهی داد.

^{۲۲} در ضمن، اتاقی نیز برای من مهیا کن، زیرا امیدوارم که خدا دعای شما را مستجاب فرموده، اجازه دهد که بزودی نزد شما آییم.

سلامهای پایانی پولس

^{۲۳}هم‌زندانی من «پافراس»، که او نیز به سبب اعلام پیغام انجیل عیسی مسیح زندانی است، سلام می‌رساند. ^{۲۴}همچنین همکاران من، «مرقس»، «آرستَرخوس»، «دیماس» و «لوقا» سلام می‌رسانند.

^{۲۵}فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد.